

ارنست همینگوی

وداع با اسلحه

مترجم:

مهدی اشیا



سرشناسه:	همینگوی، ارنست، ۱۸۹۹ - ۱۹۶۱ م.
	Hemingway, Ernst
عنوان و پدیدآور:	وداع با اسلحه / ارنست همینگوی؛ ترجمه‌ی مهدی افشار.
مشخصات نشر:	تهران: به‌سخن، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری:	۴۰۸ ص. ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک:	978-600-7987-07-0
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا.
یادداشت:	A farewell to arms: عنوان اصلی:
موضوع:	داستان‌های آمریکایی - قرن ۲۰ م.
موضوع:	American fiction - 20th century
شناسه افزوده:	افشار، مهدی، ۱۳۲۶ - ، مترجم.
رده‌بندی کنگره:	الف ۱۳۹۵ ۴ و ۹ م / PS ۳۵۴۳
رده‌بندی دیویی:	۸۲۳ / ۹۲
شماره کتابشناسی ملی:	۴۴۰۹۱۵۷



انتشارات مجید



نشر به‌سخن

تهران، خ. انقلاب، خ. ۱۲ فروردین، کوچه ۴۴، پلاک ۱ واحد ۲

تلفن: ۶۶۴۹۵۷۱۳ - ۶۴۹۱۵۸۸

وداع با اسلحه

ارنست همینگوی

مترجم: مهدی افشار

چاپ دوم، تهران، ۱۳۹۹ ه. ش.

۱۱۰۰ نسخه

لینوگرافی گلیاگرافیک، چاپ دالاهو، صحافی کیمیا

همه‌ی حقوق محفوظ است.

شابک: ۰۷ - ۷۹۸۷ - ۶۰۰ - ۹۷۸

ناشر همکار: انتشارات مجید

www.majidpub.com

Telegram & Instagram: @majidpub

فهرست

۵	مقدمه مترجم
۷	دفتر اول
۱۰۵	دفتر دوم
۲۰۵	دفتر سوم
۲۹۱	دفتر چهارم
۳۵۵	دفتر پنجم

مقدمه‌ی مترجم

وداع با اسلحه رمانی ضدجنگ است، عنوانش همین ویژگی و محتوایش را فراموش نمی‌کند، فریاد می‌زند که جنگ (نه دفاع) کاری عبث، بی‌هوده و غیرانسانی است، حادثه‌یی است تلخ که انسان را از گوهر و سرشت انسانی‌اش دور می‌کند و به موجودی تبدیل می‌گرداند که به‌جهت درنده‌خویشی‌اش، به هر شی‌اش و ویرانگری‌اش نمی‌توان هیچ نامی بر او نهاد، چراکه درنده‌خویشی حیوانات نیز فاقد این ویژگی‌ها و طبع ویرانگرانه است.

وداع با اسلحه تجربه‌ی عینی و ملموس خود نویسنده است، تجربه‌ی سال‌های پس از ۱۹۱۷ که آمریکا وارد جنگ با آلمان و اتریش و عثمانی و ژاپن می‌شود و ارنست میلر همینگوی، جوان نوزده ساله (متولد ۱۸۹۸) شورمندانه و شوق‌انگیز به جبهه‌ی ایتالیا می‌پیوندد و در مقام ستوان دومی به‌عنوان سرپرست گروه رانندگان آمبولانس خدمت می‌کند و با اتریشی‌ها در جنگی بی‌هدف درگیر می‌شود. همان‌گونه که قبلاً در قصه‌اش فردریک هنری ستوان دوم آمریکایی در جبهه‌ی ایتالیا به‌عنوان سرپرست آمبولانس‌های حمل مجروح خدمت می‌کند.

ارنست در جنگ از ناحیه‌ی پا مجروح می‌شود، همان‌گونه که فردریک از ناحیه‌ی پا مجروح می‌شود و در بیمارستان انگلیسی‌های متحد ایتالیا بستری می‌گردد.

ارنست از زبان فردریک هنری تجربیات و مشاهدات خویش را از

جنگ بیان می‌کند و بیزاری مردم ایتالیا را از این جنگ کشدار، ویرانگر و بی‌هدف به تلمیح به توصیف می‌نشیند. خواننده می‌ماند که اصلاً دعوا سر چیست و چه کسی دارد چه کسی را می‌کشد و چرا می‌کشد و هیچ‌کس نمی‌داند این همه رنج و این همه آوارگی برای چیست؟ و شگفتا همان فردریک هنری که استواری را به سبب عدم همکاری در بیرون کشیدن بولانس از گل و لای می‌کشد؛ عاشق می‌شود، عاشقی که همه‌ی رنج‌هاش معشوق را می‌طلبد و معشوق پرستاری است انگلیسی به نام ناترین بارکلی که یک‌پارچه شور و احساس و آکنده از لطافت و روح زنانه است. این عشق در متن خشونت جنگ جاری می‌شود و در جای‌جای پناد، سیاه و تیره‌ی جنگ، نقطه‌های روشن احساسی لطیف، سوسو می‌زند، چون ستارگانی در متن تاریک آسمان شب.

داستان عملاً شامل ده بخش است، بخش نخست تیرگی و تاریکی و تلخی و درشتی و زشتی است گل و لای است و لجن مال‌شدن زندگی پر از خشونت و وحشی‌گری و بخش دوم، آسایش و لطافت است و شیرینی و زندگی و همینگوی چه زیبا در این دو بخش این تقابل را به تصویر کشیده است.

فردریک جوان، معشوق خویش را به ساحل کن سوئیس می‌رساند، کشوری که اعلام بی‌طرفی کرده و بدین‌گونه خود را از تباهی جنگ کنار کشیده و همینگوی استادانه نشان می‌دهد که خط فاصل بین سیاهی و روشنایی، بین مرگ و زندگی، بین رنج و آسایش کوتاه و کوتاه است؛ به‌اندازه‌ی درنوردیدن عرض یک دریاچه و در آن سوی دریاچه زندگی با همه‌ی لطافت و زیبایی‌هایش جریان دارد و عشق زیباترین ترانه‌ی هستی را در برابر غرش توپخانه‌ها سر می‌دهد و فردریک هنری جوان در آغوش محبوبش روزگار و ماه‌های خوشی را می‌گذرانند، اما افسوس که این شادمانی را دوام و بقایی نیست.

مهدی افشار

تورنتو، تابستان ۲۰۱۶